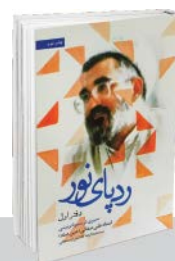
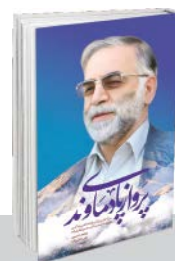




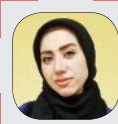
گفت‌وگو با علیرضا ملکی، مدیر مجموعه فرهنگی کتاب‌پرسان مشهد

تأمین کتاب از روستا تا زندان



در آغاز

ارزش روایی «سند نصرالدین»



سمیه جمالی

نویسنده و منتقد

✿ خاطرات در دسته داستان قرار نمی‌گیرند. خاطرات جزو ادبیات داستانی است اما داستان نیست. در عین حال به داستان نزدیک است و می‌تواند با آن گره بخورد. برخی از افراد خاطرات خود را می‌نویسند و منتشر می‌کنند، چرا که اشخاص معروفی هستند و در آن خاطرات از تجربیات خود در زمینه خاص و مشخصی حرف زده‌اند مانند کتاب خاطرات غلامرضا تختی و... برخی هم ممکن است افراد معروفی نباشند، اما خاطرات و تجربیاتی دارند که شنیدن آن برای مخاطب جذاب باشد. خاطرات آقای امیر خیام از دسته دوم است. خاطرات او میان اتفاقات و آدم‌های خاص گذشته است مانند شهید

چمران یا آقای سعدی افشار. نوشته ایشان جدا از این‌که نوستالژیک است، ارزش روایی بالایی دارد. ممکن است دیگران نیز در مورد تهران نوشته باشند اما کم پیش می‌آید وارد یک زندگی خاص شویم و جزئیات آن مطرح شود. نکته مهم کتاب این است که خود آقای خیام آن را نوشته‌اند و نه این‌که تنها راوی باشند و یک فرد دیگری آن را بنویسد.

در کتاب خاطرات و معمولاً هم کتاب خاطرات شهدا و رزمندگان این پیش می‌آید که نویسنده دیگری آن را می‌نویسد. اگر نویسنده و راوی با یکدیگر ارتباط برقرار نکنند، جان مطلب ادا نمی‌شود. مطلب طنز اگر درست نوشته شود، جای خودش را بین مخاطب پیدا کند و درست نشانه بگیرد، ماندگار می‌شود.



مانند نوشته‌های عبید زاکانی اما اگر سطحی باشد، گذراست و باقی نمی‌ماند. آقای خیام علاوه بر نحوه روایت درست، زمانی است که نه را هم انتخاب کردند. بازه سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۳ زمانی است که نه خیلی قدیمی است که به آن گره نخوریم و خاطره‌ای نداشته باشیم و نه خیلی جدید است که در روزمره بگذرانیم. درست هم همین است و خاطرات باید تهنشین شوند و بعد آن چیزی را که شفاف است، روایت کنیم.

آیتمی بودن خاطرات به خودی خود بد نیست، اما اغلب آیتم‌های کتاب «سند نصرالدین» بسیار کوتاه است و زمانی برای شناخت شخصیت‌ها به مخاطب نمی‌دهد. به خصوص که شخصیت‌های این خانه و خانواده، بسیار رنگارنگ و کاملاً غیرتپیکال هستند.